



القاعده در نیجریه

يعقوب زن

مترجم: محمدجواد امید*

درباره مؤلف

«يعقوب زن» تحلیلگر در امور آفریقا، اروپا و آسیا در بنیاد «جیمز تاون»، و از محققان غیرمقیم سازمان همکاری‌های شانگهای است. شبکه‌هایی همچون بی‌بی‌سی، الجزیره، سی‌ان‌ان و واشنگتن‌پست به تجربیات او در این زمینه اذعان کرده‌اند. تخصص وی در حیطه حقوق بین‌الملل و امنیت، چین و افراط‌گرایی اسلامی است. او در سال ۲۰۰۷م، از دانشگاه حقوق جورج تاون فارغ‌التحصیل شد و به‌عنوان محقق قانون جهانی مطرح گردید.^۱

مقدمه مترجم

شناخت القاعده به‌عنوان گسترده‌ترین گروه تروریستی جهان، امری لازم و ضروری است. امروزه القاعده در سراسر دنیا نفوذ کرده و با ایدئولوژی خود که بر پایه خشونت است، به کشتار مسلمانان دست می‌زند. از جمله گروه‌های وابسته به القاعده، «القاعده نیجریه» است که با نام «بوکوحرام» یا «جماعة أهل السنة للدعوة والجهاد» نیز شناخته می‌شود. با توجه به اینکه این گروه مدعی اسلام‌گرایی است، به‌جاست که ماهیت و ایدئولوژی آن بررسی شود تا زمینه را برای نقدی کارساز مهیا سازد. مترجم کوشیده است تا با ترجمه این

* کارشناسی ارشد میانی نظری، دانش‌آموخته مؤسسه دارالاعلام لمدرسة أهل البيت (علیهم‌السلام).

1. [www.jamestown.org/details/?tx_bzdstaffdirectory_pi1\[showUId\]=612tx_bzdstaffdirectory_pi1\[backPid\]=60no_cache](http://www.jamestown.org/details/?tx_bzdstaffdirectory_pi1[showUId]=612tx_bzdstaffdirectory_pi1[backPid]=60no_cache)

مقاله، در این راه قدمی بردارد. ذکر این نکته نیز لازم است که این ترجمه، ترجمه مقاله انگلیسی Nigerian al-Qaedaism است و صحت و سقم آن بر عهده مؤلف خواهد بود. این مقاله در جلد شانزدهم مجله «گرایش‌های معاصر ایدئولوژی اسلامی» مؤسسه هادسون چاپ شده است.

پیدایش بوکوحرام

گروه بوکوحرام را فردی به نام «محمد یوسف» تأسیس کرد و پس از مرگ وی، «شیکاو» به عنوان سردمدار کنونی گروه بوکوحرام، در ماه جولای سال ۲۰۱۰م جهاد را عرصه میدانی کشاند. جنبش او در نیجریه، نزد بیگانگان با نام «بوکوحرام»، و نزد اعضای گروهش با نام «جماعة أهل السنة للدعوة والجهاد» شناخته می‌شود. عملکرد این گروه به گونه‌ای بود که پس از اولین حمله آنان در سپتامبر ۲۰۱۰م، بیش از ۴۰۰۰ نفر از مسیحیان، مأموران دولتی، رهبران مسلمان و غیرنظامیان را کشته است.^۱ گسترش هشداردهنده آنها به عنوان مثال تسلط آنها بر بیش از ده مرکز مهم دولتی در شمال شرقی نیجریه در سال ۲۰۱۳م- رئیس‌جمهور نیجریه، یعنی گودلاک جاناتان را بر آن داشت که وضعیت اضطراری اعلام کند و همین امر به عملیاتی نظامی علیه پناهگاه‌های این گروه در سرزمین‌های مرزی نیجریه با نیجر، چاد و کامرون منجر شد. تلاش‌های ارتش به صورت موقت موفق بود؛ چراکه گروه در پایان سال ۲۰۱۳م مجدداً شکل گرفت و به کشتار شهروندان غیرنظامی در سطح گسترده‌تری اقدام کرد.

در سال ۲۰۱۱، برخی اعضای بوکوحرام گروه «جماعة أنصار المسلمین فی بلاد السودان» را تشکیل دادند که بیشتر با نام «انصار» شناخته می‌شود. امیر این گروه کارهای شیکاو را غیرانسانی می‌دانست؛ چراکه شیکاو ضمن ناشیست خواندن رهبری گروه انصار، اعضای فراری بوکوحرام را که به گروه انصار ملحق شده بودند، می‌کشت.

1. "Boko Haram Paralyzes 10 Local Governments in Borno," *the Nation*, April 20, 2013.

ایجاد گروه انصار، بخشی از استراتژی فرمانده سابق القاعده یعنی «مختار بلمختار»^۱ بود. استراتژی وی گسترش فعالیت القاعده مغرب در سراسر صحرای آفریقا بود که با جدا شدن القاعده در مغرب اسلامی واقع در شمال آفریقا محقق می‌شد.^۲ گروه انصار نیز همچون مختار بلمختار، مقابله با بیگانگان و دولت نیجریه را هدف خود دانست و متقابلاً اعلام کرد که این گروه، متعرض مسلمانان و مسیحیان نخواهد شد. این بیانیه در راستای ذخیره‌سازی مردم عادی اعم از مسلمانان و مسیحیان برای دفاع از گروه انصار تفسیر می‌شود.

از سال ۲۰۱۱م به بعد، گروه‌های بوکوحرام و انصار به سرعت در میان گروه‌های جهادی برجسته شدند. با این حال، تجزیه و تحلیل غربی از این دو گروه و ایدئولوژی آنها ناقص است. تعداد کمی از روزنامه‌نگاران غربی و متخصصان امنیت ملی، با ریشه و ایدئولوژی این گروه‌ها آشنایی دارند؛ در نتیجه، رسانه‌های غربی در تحلیل این دو گروه دچار سردرگمی می‌شوند. به عنوان مثال مطبوعات گزارش دادند که گروه بوکوحرام در ماه مارس ۲۰۱۳م، هفت مهندس خارجی را در شهر بوچی ربوده و کشته است؛ در صورتی که این عملیات به دست گروه انصار صورت گرفته بود. همچنین رسانه‌های غربی گزارش دادند که بوکوحرام در بمب‌گذاری ساختمان سازمان ملل متحد در ماه آگوست ۲۰۱۱م دست داشته است؛ در صورتی که شبکه شبه نظامیانی که این حمله را انجام دادند، با گروه انصار و القاعده مغرب ارتباط نزدیک‌تری داشتند. چنین اشتباهاتی

۱. وی اول ژوئن ۱۹۷۲م در شهر گردیه در ۳۷۰ مایلی جنوب پایتخت الجزایر متولد شد. او در نوزده سالگی برای پیوستن به مبارزات داخلی افغانستان به این کشور رفت و در جریان درگیری‌های داخلی این کشور، یک چشم خود را از دست داد. وی پس از نخستین رابطه با گروه القاعده در افغانستان، در سال ۱۹۹۳م به الجزایر بازگشت. بلمختار به گروه اسلام‌گرای مسلحی پیوست که مقابله با دولت الجزایر را با حملات خونین علیه شهروندان این کشور آغاز کرده بود. وی سپس یکی از پایه‌گذاران اصلی تشکیل القاعده در کشور اسلامی مغرب شد.

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1391/10/30/14058>

۲. عمر ولد حماده، بنیان‌گذار جنبش «حرکت التوحید و الجهاد فی غرب آفریقا»، گفت که او و بلمختار، نام القاعده در مغرب اسلامی را به مغرب محلی (شمال آفریقا) تغییر داده‌اند؛ ولی همچنان تحت القاعده باقی خواهد ماند. وی ادامه داده است که منطقه عملیاتی خود را بزرگ‌تر، و آن را در سراسر صحرای بزرگ آفریقا جاری کرده است.

Al-Qaida unit in Mali quits AQIM, AP, December 3, 2012.

باعث سردرگمی در شناسایی گروه‌های اسلامی مختلف، ایدئولوژی و اهداف آنها و آنچه در آینده از آنها انتظار می‌رود، خواهد شد. وزارت امور خارجه آمریکا و اداره امنیت اجتماعی انگلستان نیز دو گروه بوکوحرام و انصار را در شمار سازمان‌های تروریستی قرار دادند.

این مقاله درصدد پاسخ به سؤال‌های زیر است:

۱. چرا نگرش سلفی محمد یوسف در شمال شرقی نیجریه، در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹م گسترش پیدا کرد؟
 ۲. با چه ترفندی ابوبکر شیکاو ایدئولوژی محمد یوسف را به پایه و اساس یک شورش جهادی در شمال نیجریه تبدیل کرد؟
 ۳. گروه انصار تحت چه شرایطی ایدئولوژی غرب افریقا را گسترش داد و چگونه دایره مخالفت خود با شیکاو را زیاد کرد؟
- لازم است ذکر کنیم که این نگاشته، نفوذ نگرش سلفی عربستان را، که با عنوان وهابی شناخته می‌شود، بر ایدئولوژی بوکوحرام تأیید می‌کند و به تأثیر ایدئولوژی مجاهدان الجزایری در فهم گروه بوکوحرام از جهاد تأکید دارد.

رهبران گروه بوکوحرام

در این بخش، به معرفی رهبران گروه بوکوحرام و بررسی عملکرد ایشان پرداخته خواهد شد:

۱. محمد یوسف

گروه «بوکوحرام» را محمد یوسف تأسیس کرد. او در سال ۱۹۷۰م در ایالت یوبه در شمال شرقی نیجریه به دنیا آمد و در جوانی، جریان‌های اسلام‌گرای برجسته‌ای همچون گروه جنبش اسلامی نیجریه به‌رهبری ابراهیم زکزاکی را تجربه کرد. ایدئولوژی جنبش اسلامی نیجریه برگرفته از اخوان المسلمین مصر به‌ویژه حسن البنا و سید قطب^۱ بود. اما

۱. او احیاکننده فکر حکومت اسلامی واقعی، در نیمه اول قرن بیستم است؛ بدین معنا که در حکومت، قانون باید از شریعت گرفته شود.

زکزاکی تفکر [امام] خمینی [علیه السلام] را در ایدئولوژی گروه جنبش اسلامی گنجانند و سازمان وی نیز همچون ایرانیان، علیه امریکا موضع گرفت و شاخه‌ای شبه‌نظامی را برای تأمین امنیت اعضای گروه آموزش داد. طراحی این گروه برگرفته از سپاه پاسداران ایران و حزب الله لبنان بود.

با توجه به این شرایط، محمد یوسف در دهه ۱۹۸۰م از زکزاکی جدا شد؛ چراکه محمد یوسف و اهل سنتِ نیجریه به این باور رسیدند که جنبش اسلامی، در راستای احترام به رهبران ایرانی و رعایت حقوق مذهبی شیعیان حرکت می‌کند. به همین دلیل و با توجه به پشتیبانی مالی عربستان سعودی از گروه‌های سلف‌گرا به منظور جلوگیری از نفوذ روبه‌رشد ایران، یوسف و دیگر مسلمانان سنی به مخالفت با جنبش اسلامی برخاستند.^۲ یوسف در همین راستا بیان کرد: «گروه‌های اهل سنت کشور نیجریه که با عنوان اخوان المسلمین آغاز به کار کردند، اکنون به یک فرقه شیعه تبدیل شده‌اند».^۳ او افزود که عناوین مختلفی همچون جنگجویان شیعه، صوفی و برخی دیگر که تلفیقی از همه چیز بودند، سبب اختلاف میان مسلمانان در کشور نیجریه شده است.^۴ باید گفت که یوسف به این باور رسیده بود که مسلمانان، صرفاً باید دنباله‌رو سلف‌گراهای حقیقی باشند و هر راهی غیر از این، موجب کفر است.^۵

اتفاق دیگری که در دهه ۱۹۸۰م به وقوع پیوست، ظهور دو گروه سلف‌گرای دیگر به نام‌های «جماعة التجديد الإسلام» (به معنای گروهی برای احیای اسلام)، و «جماعة إزالة البدعة وإقامة السنة» (به معنای جنبشی برای حذف بدعت و تجدید اسلام سنی) بود. این دو گروه در سال ۱۹۹۹م با یکدیگر تلفیق شدند و گروه ازاله، گروه

1. "The Islamic Awakening: Islamic Struggle, Correct Path to Lasting Success," Link: Islamicmovement.org, undated.

2. John Bulloch and Harvey Morris, The Gulf War: Its Origins, History and Consequences.

3. Shaykh Muhammad Yusuf, "Tarihin Musulmai (History of Muslims)," YouTube video, undated, 2009.

4. Ibid.

5. <https://www.youtube.com/watch?v=cUot3BrT0FE>.

جماعة التجديد الإسلام را دربر گرفت. شرایط برای پیوستن یوسف به این دو گروه فراهم بود؛ به گونه‌ای که وی در سال ۱۹۹۴م، امیر جماعة التجديد الإسلام در ایالت برنو شد.^۱ از جمله عملکردهای گروه جماعت التجديد الإسلام این است که در دهه ۱۹۸۰م، سرِ بازگانی مسیحی را به این اتهام که او یک صفحه از قرآن را به جای دستمال کاغذی استفاده کرده است، قطع کرد. اعضای این گروه، اعتراض خود را در قالب تظاهرات نشان دادند و سرِ آن بازگان را بر چوب کردند و در خیابان‌های شهر کانو چرخاندند. این کار، موجب ایجاد موجی از دشمنی میان مسلمانان و مسیحیان شد که تا امروز نیز ادامه دارد.^۲ «جماعة التجديد الإسلام» از اعضای رادیکال جنبش اسلامی نیجریه تشکیل شده بود. این گروه ضمن پذیرش عقیده سلف‌گراهای عربستان سعودی، به ایدئولوژی انقلاب ایران که جنبش اسلامی آن را دنبال می‌نمود، پشت کرد؛ اما همچون جنبش اسلامی، مشروعیت دولت سکولار نیجریه و رهبران مسلمان هوسی^۳ شمال نیجریه را که با دولت همکاری داشتند، زیر سؤال می‌برد.

سلف‌گراهایی همچون یوسف، علی‌رغم تأمین مالی، از نظر علمی نیز تغذیه می‌شدند. به عنوان مثال، یوسف تحت اشراف «شیخ جعفر آدم»، که نزد سعودی‌ها آموزش دیده بود، درس می‌خواند. وی در سال ۲۰۰۲م به حدی برجسته شد که شیخ آدم، را نیز در باب اصول سلفیت زیر سؤال می‌برد.^۴ همچنین او در همان سال در ایالت برنو نماینده شورا عالی شریعت «شیخ ابراهیم دتی احمد» در نیجریه شد. این شورا از یوسف حمایت کرد و به دنبال اسلامی کردن شمال نیجریه بود. در سال ۲۰۰۰م ابراهیم احمد اعلام کرد: «در

1. Abimbola Adesoji, the Boko Haram Uprising and Islamic Revivalism in Nigeria, Africa Spectrum, 2010.

2. Karl Maier, "Beheading Stirs Nigerian Tension," *Independent*, August 16, 1995

۳. نیجریه در ۱۹۶۰م از بریتانیای کبیر استقلال یافت. ساختار اداره کشور آن به شکل فدراسیونی از سه ایالت بود که هر یک اکثریتی از بومیان محلی را شامل می‌شد. در ایالت شمالی، هوسی-فولانی‌ها؛ در ایالت غربی، یوروباه‌ها؛ و در ایالت شرقی، اییوها تسلط داشتند. حکومت پسااستعماری که مسلمانان هوسی-فولانی در آن حکمرانی می‌کردند، از طرف جنوبی‌ها به‌ویژه اییوها، که بیشتر آنان غیرمسلمان بودند، پذیرفتنی نبود.

<http://www.paymanonline.com>

4. Nosa James-Igbinadolor, "Why We Must Fight And Win This War Against The Zealots," *Sahara Reporters*, October 8, 2013.

صورت عدم‌پذیرش برداشتِ وی از اسلام، با مسلمانان جنگ خواهند کرد».^۱ اما این رویکرد با مخالفت یوسف و دیگر اعضای شورای عالی روبه‌رو شد. همین امر سبب شد تا یوسف و دیگر اعضا، جنبشی جدید با عنوان «أهل السنة و الجماعة» تشکیل دادند. نام این گروه، به صورت محلی «طالبان نیجریه» یا «یوسفیه» خوانده می‌شد.^۲

در سال ۲۰۰۴م، مخالفت‌های یوسف با استادِ خود، جعفر آدم، بر سر عقیده سلفی بالا گرفت و به مناظره آنها منجر شد.^۳ یوسف معتقد بود که استخدام در دولت سکولار و آموزش غربی از جمله کشاورزی، زیست‌شناسی، شیمی، مهندسی، جغرافیا، ریاضیات و فیزیک ممنوع است. او آموزش غربی را، که تحت مدیریت انگلستان استعمارگر به شمال نیجریه صادر شده است، حرام می‌دانست و سیستم آموزشی را به علت جواز اختلاط زن و مرد، تحریم کرد.^۴

در مقابل، «شیخ آدم» معتقد بود که اگر مسلمانان نیجریه آموزش غربی را رد کنند و از خدمت در دولت سر باز زنند، پلیس‌های مشرک (مسیحی)، مسلمانان را می‌کشند یا آنها را زخمی می‌کنند، و زمانی که زخمی‌ها به بیمارستان برده شوند، دکترها و پرستاران بت‌پرست به آنها رسیدگی خواهند کرد.^۵ اختلاف میان شیخ آدم و یوسف به زندگی شخصی آنان نیز سرایت کرد و شیخ آدم به صورت تحقیرآمیزی یوسف را «یک عالم‌نمای سکولار اسلامی» خواند؛ با این حال، یوسف در سخنرانی‌های خود مدعی بود که مؤسسات غربی به دنبال فاسد کردن مردم نیجریه هستند و بیان کرد:

با مطالعه تاریخ می‌توان درک کرد که مبلغان کشور نیجریه، سیستم آموزشی را از اروپایی‌ها دریافت کرده‌اند و سیستم‌های اعتقادی و ارزشی مسیحیان را در آن گنجانده‌اند. ما مکرر گفته‌ایم همه تعالیم مسیحیت در باب خدا و جهان کاملاً و

1. The News Magazine (Lagos), September 25, 2000, p.52.

2. Bestman Wellington, "Nigeria and the Threat of al-Qaeda Terrorism," *Terrorism Monitor*, Vol 6, No. 12, 2008.

3. Sani Umar, "The Popular Discourses of Salafi Radicalism and Salafi Counter-radicalism in Nigeria: A Case Study of Boko Haram, *Journal of Religion in Africa*," *Journal of Religion in Africa*, Vol. 42, 2012, pp. 118–144.

4. Ibid.

5. Ibid.

اساساً با اسلام مخالف است و هیچ ارتباطی با اسلام ندارد.^۱

اما حادثه مهمی در این میان رخ داد، و آن کشته شدن رقیب ایدئولوژی یوسف، یعنی شیخ جعفر آدم، خارج از مسجدش در کانو بود. این اتفاق در سال ۲۰۰۷م به وقوع پیوست و مرتکبان آن هرگز دستگیر نشدند. برخی روزنامه‌نگاران بر این باور بودند که یوسف یا طرفدارانش در این قتل دست داشته‌اند.^۲ علی‌رغم این اتهام، روحانی‌های جوان مسلمان در شمال نیجریه پذیرای او بودند.

از سوی دیگر، یوسف در استدلال‌های خود، به کتاب جهان، بیگانگان و مدارس استعماری: تاریخ آنها و خطراتشان اثر بکر بن عبدالله بن زید، عالم برجسته وهابی سعودی، استناد می‌کرد. در این کتاب آمده است که استعمارگران اروپایی، آموزش سکولار را به‌منظور حفظ سلطه بر جوامع مسلمان، به جوامع اسلامی معرفی کرده‌اند. این سیاست که توطئه پنهان نامیده شده است، از سویی به‌دنبال فساد اخلاق اسلامی با هنجارهای لیبرال غربی و همچنین جایگزین کردن هنجارهای جامعه با بی‌بندوباری، و از سویی دیگر، به‌دنبال تضعیف هویت‌های جمعی ساخته‌شده بر مبنای مفاهیم تقوا و پرهیزگاری بود. تأثیر ابن زید بر تفکرات یوسف، غیرقابل انکار است.

یوسف در سخنرانی‌های خود می‌گفت:

دانشمندان اروپایی کاملاً تاریخ اسلام را تغییر داده و مدعی شده‌اند که حتی پیامبر اسلام ﷺ نیز برای تأسیس اسلام یا دولتی سیاسی نیامده است؛ بلکه هدف او مبارزه با جنگ قبیله‌ای بوده است. به این ترتیب، آنها خلافت را از بین بردند و افراد کم‌خرد و سست ایمان را به اشتباه انداختند. زمانی که اروپاییان از بیشتر کشورهای اسلامی خارج شدند و قدرت را به شهروندان واگذار کردند، آنها دین را از سیاست جدا کردند و مدعی شدند که دین هیچ نقشی در مدیریت قدرت سیاسی ندارد. این مطلب اعتقاد کسانی شد که قدرت را از استعمارگران گرفتند. آنها بر سکولاریسم در دولت معاصر پافشاری کردند و دموکراسی و حقوق بشر را در همه‌جا پیاده ساختند. پرچم‌های اسلامی و نمادهای آن جای خود را به پرچم‌ها و

1. "Tahirin Musilminai," *History of Muslims*.

2. Andrew Walker, "Special Report: What is Boko Haram?," *United States Institute of Peace Special Report*, 2012.

نمادهای ملی دادند. شریعت، قرآن و سنت با قانون سکولار جایگزین شدند.^۱

یوسف معتقد بود بدبختی‌ای که اکنون گریبان‌گیر مسلمانان نیجریه شده است، نتیجهٔ پروژه‌ای است که اروپایی‌ها به‌وسیلهٔ آن اسلام و آرزوهایش را نابود کردند. از نظر یوسف، یکی از مصادیق این بدبختی، شمال نیجریه است که به‌خاطر روی برگرداندن از خدا، دچار فقر، حسادت و ترس شده‌اند و این مسئله مبتنی بر سیاست حاکمان خشن است.^۲

در شمال نیجریه، که به‌گفتهٔ یوسف دچار بدبختی شده است، ایالت‌های گوناگونی وجود دارد که از آن جمله، می‌توان به ایالت برنو و ایالت یوبه اشاره کرد که روزی برای خود دارای جایگاه خاصی بوده‌اند. ایالت برنو از مراکز فعالیت یوسف و محل استقرار مرکز فرماندهی بوکوحرام با عنوان ابن تیمیه بود. ایالت یوبه نیز افزون بر اینکه محل تولد یوسف بود، بخشی از خلافت اسلامی-قبیله‌ای به‌رهبری کانوری را تشکیل می‌داد. این خلافت تقریباً در سال ۱۰۰۰م به وجود آمد و تا پایان قرن نوزده ادامه داشته است. گسترش این امپراتوری، از نیجریهٔ کنونی تا لیبی بود و روابط دیپلماتیک و تجاری با دیگر کشورهای حتی کشورهای دور همچون عثمانی داشت.^۳ با این حال، بخش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خلافت سابق در برنو، تحت استعمار فرانسه، به شمال کامرون امروزی، جنوب نیجر و شرق چاد تبدیل شد. از سوی دیگر، به‌وسیلهٔ استعمار انگلستان نیز به «نیجریه» تغییر جغرافیایی داد. تغییرات مدرن در جامعه با ادغام شمال و جنوب نیجریه در آغاز قرن ۲۱ میلادی انجام گرفت. گروه بوکوحرام همهٔ این تغییرات را به‌عنوان پروژهٔ استعمارگران غربی برای بدتر شدن اوضاع تفسیر کرده است. شکایت‌های گروه بوکوحرام از میراث امپریالیسم به موارد زیر خلاصه می‌شود:

۱. پیشرفت اقتصادی جنوب نیجریه از طریق روابط تجاری با انگلستان و غرب؛

۲. رکود اقتصادی شمال نیجریه، ناشی از منسوخ شدن مسیرهای زمینی، تجاری و

1. "Tahirin Musilminai," *History of Muslims*.

2. MOHD Nur & Yusuf.

3. B.G. Martin, Kanem, Bornu, and the Fazzan "Notes on the Political History of a Trade Route", *The Journal of African History*, Vol. 10, No. 1, 1969, pp. 15-27.

زیارتی صحرا به واسطه سفرهای دریایی و هوایی؛

۳. ورود مسیحیان به شمال نیجریه در قرن ۲۰ میلادی که هویت مسلمان را در برنو و شمال نیجریه، تضعیف کرد؛

۴. رشد فراوان زبان انگلیسی که جایگزین یادگیری زبان عربی شد؛

۵. به حاشیه راندن متفکران مسلمان عرب زبان شمال نیجریه؛

۶. ظهور دولت نیجریه که از طریق نیروهای امنیتی خود جز فساد مالی، ایدز، فساد، اخاذی و شکنجه، چیزی به ایالت برنو صادر نکرد.^۱

طرفداران یوسف در ایالت‌های برنو و یوبه نیز واکنش مثبت به این شکایت‌ها نشان دادند. افزون بر آنها، کانوری‌ها نیز که هم‌قبیله‌ای یوسف و از مسلمانان اولیه در کشور نیجریه بودند و خود را وارثان خلافت در برنو و پرچم‌دار اسلام در کشور می‌دانستند، کاملاً پذیرای این شکایت‌ها بودند.

با توجه به بیانات یوسف، شیکاو و نور، باید چنین نتیجه گرفت که رهبران گروه مسلمان هوسی-فولانی در شمال نیجریه، اسلام کشور نیجریه را به دموکراسی و سکولاریسم فروخته‌اند. این رهبران قومی با دولت رابطه نزدیکی داشتند.

یوسف مدعی بود که به‌علت جایگزین کردن دموکراسی به‌جای اسلام توسط رهبران گروه مسلمانان هوسی-فولانی، نباید سلطان سوکوتو، یکی از همان رهبران، به‌عنوان رهبر مسلمانان باشد؛ بلکه او صرفاً یک رهبر قبیله‌ای است.^۲ یوسف معتقد بود که باید دولتی مبتنی بر افکار سلف‌گرا جایگزین دولت نیجریه و طبقه حاکمان مسلمان شود. یوسف بیان کرد:

ما به‌دنبال ایدئولوژی سلفی و فتواهای صادرشده از جانب علمای سلفی هستیم. در انتخاب یک عالم، شهرت او اهمیت ندارد؛ بلکه آنچه مهم است، پذیرفتن مبانی سلف‌گرایی از سوی اوست. ما به‌عنوان یک گروه، تأویل‌ها، دیدگاه‌ها و داوری‌های شخصی را نخواهیم پذیرفت. تعالیم هر دانشمندی باید از جانب

1. "Tahirin Musilminai," *History of Muslims*.

2. B.G. Martin, Kanem, Bornu, and the Fazzan, "Notes on the Political History of a Trade Route", *the Journal of African History*, Vol. 10, No. 1, 1969, pp. 15-27.

نوشته‌ها و تعالیم دانشمندان سلفی حمایت شود.^۱

تعالیم یوسف، مخاطبان زیادی را در شمال نیجریه به خود جذب کرد؛ چراکه او توانست مسائلی همچون تأثیر آموزش‌های غربی بر فساد اخلاق اسلامی، سکولار شدن رهبران مسلمان و سلطهٔ همیشگی غرب بر ایشان را به‌خوبی تبیین کند. وی علاوه بر این، از نارضایتی‌های کنونی از دولت نیجریه خبر داد و مدعی شد که دولت کنونی ما به‌دست استعمار پیر شکل گرفته است؛ به همین دلیل، یوسف توانست همهٔ مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مردم در شمال شرقی نیجریه را به دولت نیجریه نسبت دهد.

گام بعدی یوسف، فرستادن ده‌ها تن از طرفداران خود به الجزایر و موریتانی، در اوایل دههٔ ۲۰۰۰م بود. هدف او از این کار، تربیت طرفداران خود توسط آموزش‌های نظامی القاعده در مغرب اسلامی، برای موفقیت در عرصهٔ جهاد بود.^۲

افزون بر موارد بالا، در اواخر دههٔ ۲۰۰۰م، یوسف دو تحریم دیگر خود را با کمک کسانی که به‌عنوان الگو مطرح شده بودند، اعلام کرد. وی با این دلیل که ورزش، محبوبیت غیرمسلمانان را در میان مسلمانان ترویج می‌کند؛ مشارکت در ورزش را منع نمود؛ چراکه وی این ترویج را مخالف با مبانی سلف‌گرایی می‌دانست. ممنوعیت دیگر یوسف، تماشای فیلم‌های غربی بود. دلیل این مطلب این بود که این فیلم‌ها، از سوی مسلمانان را در نقش شروران نفرت‌انگیز نشان می‌دهند و از سوی دیگر، غیرمسلمانان را در نقش قهرمانان دوست‌داشتنی به تصویر می‌کشند.^۳ یوسف پس از سال ۲۰۰۱م و حملهٔ ۱۱ سپتامبر، کم‌کم به‌عنوان رهبر جهادی شناخته شد و این مسئله باعث شد که او یکی از اولین ایده‌پردازان سلفی جهادی در شمال نیجریه شود. این در حالی بود که رهبران اسلامی قبل از یوسف، مثل زکزاکی، به رهبران اخوان المسلمین یا رهبران

1. www.youtube.com=player_embedded&v=WVCNdqwGU-M#t=2690.

2. Ibid.

3. Sani Umar, "The Popular Discourses of Salafi Radicalism and Salafi Counter-radicalism in Nigeria: A Case Study of Boko Haram," *Journal of Religion in Africa*, Vol. 42, 2012, pp. 118-144.

انقلاب اسلامی ایران ابراز ارادت داشتند؛ اما رویکرد یوسف برگرفته از القاعده، اسامه بن لادن و طالبان بود؛ به همین علت، یوسف در سال ۲۰۰۹م اعلام کرد که آن عالمان اسلامی که ابن تیمیه، سید قطب، حسن البنا و اسامه بن لادن را تضعیف می‌کنند، دانشمندان معتبر اسلامی نیستند. وی به‌ویژه اسلام‌گرایان الجزایر را در عبارات زیر به‌شدت تحسین می‌کند. او در همان سخنرانی اظهار کرد:

ما درصدد تأسیس حزبی اسلامی مبتنی بر عقاید اهل سنت هستیم که در برابر جهل و سکولاریسم به مبارزه می‌پردازد. هم‌اکنون گروه‌هایی همچون القاعده و طالبان بر مبنای ایدئولوژی سنی در حال مبارزه هستند. در کشور الجزایر نیز گروه‌های با این تفکر در حال ظهور هستند که همه آن گروه‌ها، به گسترش اسلام متعهد هستند. امیدوارم که این گروه‌ها را درک کنید.^۱

ارتباط میان یوسف و اسلام‌گرایان الجزایر

با توجه به انتهای کلام یوسف، می‌توان به ارتباط اسلام‌گرایان الجزایر با یوسف پی برد؛ اما نفوذ اسلام‌گرایان الجزایر روی تفکرات یوسف، مسئله‌ای نیست که بتوان آن را به‌راحتی دریافت کرد. محمد اهل البانی، امام عالی‌رتبه اهل زاریای ایالت کودانا، در این باره می‌گوید:

یوسف از برخی رهبران شورشی اسلام‌گرای الجزایر که به عدم حضور شبه‌نظامیان در مدارس و دولت فتوا داده بودند، تأثیر پذیرفته بود. این فتوا را اکثر الجزایری‌ها رد کردند. باید ریشه این فتوا را در تجربه افرادی یافت که در دهه ۱۹۹۰، در جنگ‌های داخلی الجزایر بین نظامیان دولتی و اسلام‌گراهای مسلح حضور داشتند. یوسف نیز کورکورانه این فتوا را قبول کرد و در نیجریه پیاده نمود.^۲

یوسف در موعظه‌های خود از مردم کشور الجزایر صحبت می‌کرد؛ در حالی که گروه‌های اسلام‌گرایی همچون الشباب در سومالی، و گروهی دیگر در عراق در حال شورش بودند. به‌عنوان مثال اولین فعالیت مردم الجزایر «لغو انتخابات دموکراتیک» بود؛

1. "Tahirin Musliminai," *History of Muslims*.

2. Andrea Brigaglia, "Jafar Mahmoud Adam, Mohammed Yusuf and Al-Muntada Islamic Trust: Reflections on the Genesis of the Boko Haram Phenomenon in Nigeria," *Annual Review of Islam in Africa*, Vol. 11, 2012.

اگرچه اسلام‌گرایان در آن پیروز شدند. این لغو از سوی نظامیان دولتی در سال ۱۹۹۱م به وقوع پیوست. عمل دیگر اسلام‌گرایان الجزایر، ترویج پذیرش عفو عمومی توسط اعضای گروه سلفی، و مبارزه (GSPC) در میانه دهه ۲۰۰۰م بود. این دو تحول موجب اختلاف شدید میان گروه اسلام‌گرای اصلی کشور شد و به شورش آنها خاتمه داد.^۱ نهایتاً یوسف اعلام کرد که به هیچ صلی با دولت نیجریه نمی‌توان رسید؛ مگر اینکه کشور به دست سلف‌گراها اداره شود و شریعت، قانون حاکم بر کشور باشد. یوسف در سال ۲۰۰۹م، در حالی که به نمونه‌ای از الجزایر اشاره می‌کرد، گفت:

اسلام‌گرایان در الجزایر سعی کردند که دموکراسی را معرفی کنند؛ اما زمانی که فهمیدند دموکراسی مخالف اسلام و علیه خداست، به شریعت برگشتند. آنها یک گروه جهادی اسلامی تشکیل دادند که در ابتدا شامل بیش از ۵۰ هزار نفر بود؛ اما زمانی که این گروه، شریعت (راه خدا) را رها کردند، اعضای آن به شدت کاهش یافت.

با وجود اینکه یوسف مدل اسلامی الجزایر را می‌ستود، اما به طرفداران خود دستور نداد تا در جهاد علیه دولت نیجریه یا نیروهای امنیتی شرکت کنند. اگرچه یوسف و طرفدارانش بر دیدگاه‌های افراطی پافشاری کردند، اما حملات آنها به نیروهای امنیتی به صورت پراکنده بود و به عنوان شورش گسترده در نظر گرفته نمی‌شد. یوسف تا آنجا پیش رفت که ادعا کرد باید با رویکرد تبلیغ میان مردم، در نیجریه، بلکه در همه جهان، دولتی با سیستم اسلامی به وجود آید.^۲ یوسف در راستای آماده‌سازی برای مبارزه‌ای اجتناب‌ناپذیر با دولت به طرفدارانش گفت: «اگر مسلمانان توانایی گرفتن قدرت را ندارند، دو کار می‌توانند انجام دهند: یا باید هجرت کنند یا به دنبال قدرت برای کسب موفقیت باشند».^۳

دستور اول یوسف دقیقاً همان چیزی است که صدها تن از طرفدارانش در سال

1. <http://www.cfr.org/world/al-qaeda-islamic-maghreb-aqim/p12717>

2. Emmanuel Goujon and Aminu Abubakar, "Nigeria's 'Taliban' Plot Comeback from Hide-outs," *AFP*, January 11, 2006.

3. "Tahirin Musilminai," *History of Muslims*.

۲۰۰۳م انجام دادند. آنها جامعه را ترک کردند و جامعه‌ای را با نام «افغانستان» در شهر کانامای ایالت برنو، تأسیس کردند. این جامعه پیروی از مقررات محلی را رد کرد و افزون بر این، دائماً با پلیس محلی درگیر بود. در درگیری‌های نهایی در سال ۲۰۰۳م، طرفداران یوسف به چند پایگاه پلیس شورش بردند؛ اما پلیس با نیروی کافی، یورش را سرکوب کرد. پلیس همچنین اردوگاه شورشیان را خراب کرد و از پیدایش دوباره آن جلوگیری کرد. این حادثه شیخ احمد دتی را بر آن داشت که با لحن ستایش‌آمیز این‌گونه بیان کند: «طالبان نیجریه (مونیکر) متولد شد».

با وجود این، در عین اینکه یوسف با مفهوم جهاد به معنای مبارزه با نفس مخالف بود، اعتقاد داشت که «جهاد» آخرین راه‌حل موجود برای مسلمانان است. او به پیروانش گفت: جهاد تنها راه‌حلی است که از کشتار مسلمانان و توهین به پیامبران جلوگیری می‌کند؛ اما لازمه جهاد، قدرت برای برقرار کردن آن است که جز با صبر امکان‌پذیر نیست. ما برای جهاد آمادگی داریم و جهاد ما پایان دموکراسی، آموزش غربی و تمدن غربی است. جهاد ریشه دولت اسلام و بازگشت مسلمانان به اصولشان در نظر گرفته شده است.^۱

یوسف اصرار داشت پیروانش در دامی که اروپاییان مبنی بر پنهان کردن معنای واقعی جهاد برای آنها پهن کرده‌اند، گرفتار نشوند. او اظهار داشت:

اروپاییان دین را از سیاست جدا، و دین را به حوزه خاصی محدود کردند و مدعی هستند که دین باید از قلمرو عمومی حذف شود؛ چراکه دین امری خصوصی بین شخص و خدایش است. مسلمانان درس خوانده در اروپا نیز با حمل معنای جهاد بر مبارزه با نفس و سازگاری دموکراسی با اسلام، امر را بر مردم مشتبه ساختند.^۲

به هر حال، یوسف در درگیری‌های میان دولت و طرفدارانش در ایالت برنو، در جولای ۲۰۰۹م کشته شد.

1. Ibid.

2. Abdullahi Bego, "Nigeria: 'Taliban' of Nigeria: Who Are They?" *Weekly Trust*, January 3, 2004.

۲. ابوبکر شیکاو

پس از یوسف، شخصی مخوف به نام «ابوبکر شیکاو» رهبری گروه را بر عهده گرفت. بسیاری از طرفداران یوسف برای گرفتن انتقام او، به قصد آموزش دیدن تحت نظر القاعده مغرب اسلامی، از نیجریه گریختند.

برخی پیروان یوسف معتقد بودند که شیکاو، رویکرد خشونت‌آمیزی دارد؛ در حالی که یوسف دارای هوش و ذکاوت بیشتری بود. خشونت نتیجه معکوس داد و به کشته شدن و بازداشت صدها تن از اعضای گروه منجر شد.^۱

طرفداران یوسف که نزد القاعده مغرب آموزش دیده بودند، نحوه رهبری شیکاو را زیر سؤال بردند و همین امر باعث شد که بعدها، به گروه انصار به عنوان جانشین شیکاو متمایل شوند.

با وجود این، شیکاو از خشم طرفداران یوسف استفاده کرد؛ چراکه این طرفداران در ایالت برنو باقی ماندند و فکر گرفتن انتقام یوسف از دولت را در سر می‌پروراندند.^۲ شیکاو به دنبال برپایی جهادی بود که یوسف، تنها در اصطلاحات ایدئولوژی خود از آن نام برده بود. در حالی که یوسف اسامه بن لادن و القاعده را ستایش، و تاریخ مجاهدان الجزایر را دنبال کرد؛ شیکاو آشکارا به القاعده رسید و مدل جهاد پیروان سابق یوسف را اجرا کرد.^۳ وی در اولین بیانیه ویدئویی خود، که در جولای ۲۰۱۰م منتشر کرد، خطاب به رهبران القاعده و گروه‌های وابسته به آن در الجزایر، عراق، سومالی و یمن گفت که رهبر گروه شده است و افزود:

به نمایندگی از مجاهدان نیجریه، پیام تسلیت خود را به همه مجاهدان همچون اسامه بن لادن، ایمن الظواهری، ابویوب لیبی و ابوعبدالله مهاجری عرض می‌کنم. همچنین هم‌دردی خود را با امیر دولت اسلامی در سومالی، امیر القاعده

1. The Daily Sun (Lagos), July 24, 2009.

2 "Boko Haram Leader 'Imam Abubakar Shekau' Message to President Jonathan," Sahara Reporters, January 12, 2012.

۳. در یک پیام ویدئویی، شیکاو نام سازمان یوسف را در جولای ۲۰۱۰م به «جماعة أهل السنة للدعوة والجهاد» تغییر داد. این اسم ممکن است به خاطر موعظه‌های یوسف و تأکید شیکاو بر جهاد باشد. علاوه بر این، ممکن است این اسم، از گروه‌های مجاهد مشابه همچون «الرابطة الإسلامية للدعوة والجهاد» اقتباس شده باشد.

در مغرب، امیر مجاهدان در پاکستان، چین، کشمیر، یمن، شبه‌جزیره عربستان، و روحانیان مذهبی دیگر ابراز می‌دارم، خصوصاً به مجاهدینی که در دولت اسلامی عراق گردهم جمع شده‌اند.

شیکاو نیز همچون یوسف، بر دشمنی با غرب تأکید داشت و با نفرتی خاص از امریکا به دنبال دشمنی با آن بود. او در این زمینه بیان کرد: «فکر نکنید جهاد پایان یافته است؛ بلکه تازه آغاز شده است و امریکا باید آن قدر خشمگین شود تا بمیرد».^۱

شیکاو از تعالیم یوسف دریافت که مسیحیان، دشمن گروه بوکو حرام هستند و باید از کشور نیجریه حذف شوند. سخنرانی‌های شیکاو و یوسف قبل از جولای ۲۰۰۹م، تمدن غربی را با الحاد یکسان قرار داد و سه رکن اساسی «آموزش غربی»، «تعالیم یهودی-مسیحی» و «دموکراسی» را برای آن مشخص کرد.

شیکاو معتقد بود که پیوند این سه رکن، به «جهانی شدن و نظم نوین جهانی» منجر شده است. شیکاو نیز همچون هم‌کیشان خود (یوسف و ابن‌زید) ضمن اینکه آموزش غربی را ریشه شر در جهان می‌دانست، آن را حربه دشمن برای نفوذ در افکار مسلمانان می‌خواند؛ به همین علت، او خواستار نابودی آموزش غربی و جایگزین شدن آموزش اسلامی به جای آن شد.

شیکاو ادعا کرد که تعالیم مسیحی-یهودی علی‌رغم تأثیر مخرب روی اسلام، به دنبال تفسیر لیبرال‌تر از متن دینی است که غالباً در بیشتر مذاهب مدرن جاری شده است؛ برای همین، سیستم‌های سکولار چیزی را به خدا نسبت می‌دهند که دستور خدا نیست. در نتیجه، شیکاو استفاده از تقویم یهودی-مسیحی را تحریم، و تعطیلات معین شده در نیجریه را که در دولت‌های سکولار جهان مصوب شده بود، رد کرد. وی مسیحیان را مشرک و کافر دانست و بیان کرد: «مسلمانان واقعی باید تعلقات شخصی به مسیحیان نداشته باشند».

شیکاو در سخنرانی‌های خود، از هویت سکولاری قانون اساسی سخن گفت که بر

1. "Periodical Review July 2010 – No. 2," ICT's Jihadi Websites Monitoring Group, August 2010.

بازگشتِ نیجریه به دموکراسی مبتنی بر چندحزب تأکید داشت و در نگاه وی، این دیدگاه با طرد شریعت الهی مساوی بود. استفاده از نمادهای ملی همچون سرود، پرچم و تعهد ملی نیز مؤید به حاشیه راندنِ شریعت الهی است. این در حالی است که باید مفاهیم نهفته در این نمادها مثل افتخار و وحدت و شکوه، در سایه شریعت الهی تفسیر شوند. از نظر وی دولت و ملت، به دست بشر ساخته شده‌اند و در راستای بدنام کردنِ خداوند هستند. افزون بر این، عناصری مثل «آموزش غربی»، «تعالیم یهودی-مسیحی» و «دموکراسی»، برای نابودی اسلام توطئه کرده‌اند؛ لذا مسلمانان باید با آنها در هر مکانی و در هر زمانی و با هر معنایی مبارزه کنند.^۱

شیکاو نیز همچون یوسف، شخصیتی کاریزماتیک و سخنرانی چیره‌دست بود. او به زبان‌های عربی کلاسیک، هوسایی، کانوری و انگلیسی با لهجه عالی سخنرانی می‌کرد. وی همچنین مثل یوسف، خود را از تمام مدارس با تفکر اسلامی در نیجریه، همچون سلف‌گراها در گروه ازاله، مائیت‌سین و شیعه متمایز کرد و علاوه بر این، توانست حافظه و تاریخ سیاسی ایالت برنو را به‌منظور گردآوری طرفدارانش در آغوش جهاد، تحریف کند.

در ۱۰ ژانویه ۲۰۱۲م، شیکاو در فایلی ویدئویی مفهوم دموکراسی و قانون اساسی را با کفر مساوی دانست و کمی بعد دموکراسی را با ایدئولوژی خدا و پیامبر ﷺ مخالف خواند و افزود: «مسلمانان خوب می‌دانند که دموکراسی با اسلام ناسازگار است». شیکاو رئیس‌جمهور نیجریه و مسیحیان را به آغوش اسلام و حفظ آن فراخواند و سپس به آنها یادآوری کرد که آموزش سکولار، ورزش‌ها و موسیقی، بخشی از توطئه یهود برای منحرف کردن مسلمانان از مطالعه قرآن است.

در ویدئوی ۴ اگوست ۲۰۱۲م، شیکاو به‌طور مشابهی گفت: «دموکراسی و قانون اساسی، با ریشه‌های اساسی اسلام مخالف هستند و گروه بوکوحرام درصدد است تا سیستم را به‌وسیله معرفي قانون الهی تغییر دهد». در سال ۲۰۱۳م، شیکاو به‌طور مداوم امریکا، اوباما (رئیس‌جمهور امریکا)، اولاند (رئیس‌جمهور فرانسه)، ملکه الیزابت، و

1. <https://www.youtube.com/watch?v=eQY4GLtzLdU>, July 10, 2013.

مارگرت تاچر (نخست‌وزیر سابق انگلستان) را تهدید می‌کرد. شیکاو استفادهٔ امریکا از القابی همچون «تروریست» برای وی را مسخره خواند و قول داد که بوکوحرام فردا به امریکا حمله خواهد کرد.

سخنرانی‌های بی‌پردهٔ شیکاو قبل از سال ۲۰۰۹م و بعد از انتخاب وی به رهبری بوکوحرام در سال ۲۰۱۰م، نشان می‌دهد که ایدئولوژی بوکوحرام تا حد زیادی تحریف نشده است. با این حال، او از سال ۲۰۱۰م ایدئولوژی خود را عملیاتی کرد. این همان ایدئولوژی‌ای است که وی قبل از سال ۲۰۱۰م، فقط در مرحلهٔ حرف، به آن نظر داشت و اکنون خودش آن را در حملات گروهش به مسیحیان، مقامات دولت نیجریه و مدارس زبان انگلیسی آشکار کرد. علاوه بر این، وی خواهان ارتباط مستقیم با القاعده بود.

عملکرد گروه بوکوحرام به رهبری شیکاو

اولین حملهٔ بوکوحرام تحت رهبری شیکاو در ۷ سپتامبر ۲۰۱۰م صورت گرفت. اعضای گروه به زندان بوجی حمله کردند و بیش از ۱۰۰ نفر از دوستان خود را آزاد کردند. این اشخاص در درگیری‌هایی که یوسف در آن به قتل رسیده بود، دستگیر و روانهٔ بازداشتگاه شده بودند. کمی بعد از آن، بوکوحرام مجموعه‌ای از ترور علیه رهبران مذهبی و سیاسی انجام داد. این رهبران، یا مخالف اصول بوکوحرام بودند یا از کسانی بودند که در انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۲۰۱۱م شرکت کرده بودند. در طول سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳م، بوکوحرام ده‌ها مدرسه و کلیسا را به‌ویژه در ایالت برنو سوزاند. این حملات را می‌توان در راستای لبیک گروه بوکوحرام به رهبر خود یعنی شیکاو تحلیل کرد.

شیکاو پس از سال ۲۰۱۰م، در حالی که در خفا به سر می‌برد، به دفاع از همان ایدئولوژی‌ای ادامه داد که قبل از جولای ۲۰۰۹م ترویج می‌داد. اگرچه سخنرانی‌های شیکاو بعد از جولای ۲۰۰۹م، تنها از طریق ویدئوها منعکس می‌شد؛ ولی این فیلم‌ها از طریق یوتیوب، رسانه‌های بین‌المللی یا در انجمن‌های جهادی آنلاین انتشار پیدا می‌کرد. شیکاو در شب‌نامه‌های خود، به کشتار کسانی اصرار داشت که با نیروهای امنیتی همکاری می‌کنند.

سخنان شیکاو علیه دولت نیجریه، مسیحیان و مخالفان سیاسی و مذهبی، تلفات غیرنظامیان را به دنبال داشت. شیکاو علیه مسیحیان اعلام جنگ کرد و به گفته سخن‌گوی او، وی خواستار گسترش عملیات‌های بوکوحرام در سوکوتو است. این گسترش از سویی در راستای کاهش قدرت «سلطان» به عنوان رهبر سنتی آن منطقه توجیه می‌شود و از سوی دیگر برقراری حکومت توسط شیکاو در یوب را تقویت می‌کند. سپس سخن‌گوی وی هشدار داد هر حاکمی که مانع برنامه‌های بوکوحرام شود، از عمل خود پشیمان خواهد شد.^۱ بوکوحرام با حمله‌ای انتحاری، بیش از ۳۰ رهبر دینی مرتبط با سلطان را ترور کرد. این حادثه در جولای ۲۰۱۲م در یک پایگاه پلیس در سوکوتو به وقوع پیوست؛ اما در نهایت، بوکوحرام در گسترش نفوذ خود خارج از مناطق قومی-کانوری در شمال شرق نیجریه شکست خورد.

از جمله دلایل شکست نفوذ این گروه در میان اکثر ایالت‌های هوسا، نارضایتی مردم از گسترش حملات بوکوحرام علیه شهروندان است. به عنوان مثال، در عملیاتی که علیه ساختمان‌های دولتی و کلیساها در کانو صورت گرفت، ۲۰۰ نفر کشته شدند که بیشتر آنان غیرنظامیان بودند.^۲

دو دستگی در گروه بوکوحرام

یک هفته بعد از عملیات ۲۰ ژانویه ۲۰۱۲م، گروه انصار به رهبری مامن نور، رسماً اعلام موجودیت کرد و ابراز داشت که فعالیت‌های بوکوحرام به دلیل کشتار مسلمانان بی‌گناه و فراریان، غیرانسانی است.^۳ شیکاو مجبور به پاسخگویی شد و در واکنش به عملیات ۲۰ ژانویه گفت: «عملیات در کانو به تلافی بازداشت اعضای گروه، همچون زنان و کودکان انجام شد. گروه بوکوحرام همیشه به بی‌عدالتی پاسخ می‌دهد».^۴

1. Ike Abonyi, "Our Plans to Islamize the Country – Qaqa, Sokoto," *This Day*, March 8, 2012.

2. "Kano Police: 186 People Killed in Boko Haram Attack," *This Day Live*, January 23, 2012.

3. "Boko Haram: Splinter Group, Ansaru Emerges," *Vanguard*, February 1, 2012.

4. www.youtube.com/watch?v=IUd0Vcs8Tm4

شیکاو تلاش کرد که با القاعده مرتبط شود و در همین راستا، او مجاهدان القاعده مغرب را «سربازان خدا در دولت اسلامی» خواند؛ اما زمانی که القاعده مغرب، شمال کشور مالی را در سال ۲۰۱۲م تصرف کرد، هیچ‌یک از وابستگان القاعده، شیکاو یا بوکوحرام را به‌عنوان گروهی از خودشان به حساب نیاوردند. شاید بتوان این عمل القاعده مغرب را به‌سبب کشتار بی‌رویه غیرنظامیان توسط گروه بوکوحرام دانست. این کار، وجهه عمومی القاعده را زیر سؤال می‌برد. تا آنجا که یکی از رهبران روحانی القاعده مغرب به‌نام «ابومنذر شنقیطی» در سال ۲۰۱۳م فتوایی صادر کرد که به نظر می‌رسد به قتل دانش‌آموزان توسط بوکوحرام در خوابگاه مدرسه اشاره دارد. وی گفت:

اینکه مدارس برای کشتن دانش‌آموزان جوان هدف قرار داده شوند، جایز نیست؛ چراکه آنها هنوز به صفوف مخالفان نظامی وارد نشده‌اند. این‌گونه فعالیت‌ها به دشمنان دین و رسانه‌های غربی فرصت می‌دهد تا مجاهدان را به‌دور از تعالیم اسلامی بخوانند. به خانواده دانش‌آموزان هشدار دهید تا فرزندان خود را در این مدارس ثبت‌نام نکنند؛ وگرنه مواخذه می‌شوند. این مدارس در صورت خالی شدن از دانش‌آموزان، نابود خواهند شد.^۱

القاعده در مغرب اسلامی از نظر ایدئولوژی و عملیاتی به گروه انصار در نیجریه نزدیک‌تر بود.

کارنامه عملی گروه انصار

اولین عملیات گروه انصار، ربودن پناهندگان انگلیسی و ایتالیایی در ایالت کبی بود که در سال ۲۰۱۱م اتفاق افتاد. این گروه یک سال بعد، گروگان‌ها را در سوکوتو به قتل رساند.^۲ گروه انصار برخلاف گروه بوکوحرام، راهبرد ربودن را در دستور کار خود قرار داد^۳ و

1. www.tawhed.ws/FAQ/pr

۲. با این حال در آن حوادث، گروه انصار خود را «القاعده در ماورای صحرا» خواند. این واقعه بعد از تغییر اسمش بر اساس راهنمایی عبدالملک، رهبر القاعده مغرب، رخ داد که گفته بود گروه انصار روابط خود با القاعده مغرب را به‌وسیله حذف القاعده از نامش مخفی می‌کند. مصطفی ولد لیمام چفی مذاکره‌کننده آنان بود.

“Agence Nouakchott d’In- formation. Al-Qaida’s Saharan Playbook,” Associated Press, February 15, 2013.

3. Lawal Danuma, “Kidnapped German Killed in JTF Raid,” Daily Trust, May 31, 2012; Declared of Jama’atu Ansarul Muslimina Fibiladis sudan Garki II Abuja, November 30,

در واقع، این گروه به دست داشتن در آدم ربایی کشیش فرانسوی^۱ و آدم ربایی خانواده‌ای فرانسوی مظنون است. این دو حادثه در فوریه و دسامبر ۲۰۱۳ م اتفاق افتاده است.^۲

گروه انصار با همراهی مختار بلمختار در دو عملیات، بدنامی را به جان خرید. عملیات اول علیه سازمان تأسیسات انرژی واقع در شهر المناس الجزایر در ژانویه ۲۰۱۳ م بود و حمله دیگر نیز به تجهیزات معدن فرانسه در نیجر در ژوئن ۲۰۱۳ م صورت گرفته بود.^۳

در واقع، گروه انصار تمرکز فعالیت خود را بر بیگانگان و اهداف متعلق به آنها اختصاص داده بود.

افزون بر این، گروه انصار مردم نیجریه را نیز هدف گرفته بود. در ژانویه ۲۰۱۳ م، شبه‌نظامیان گروه انصار بر سر راه یک کاروان که شامل سه اتوبوس بود، کمین کردند. این اتوبوس‌ها حامل ۱۸۰ سرباز نیجریه‌ای بودند که از طریق شهر اکنه واقع در ایالت کوگی به سمت مالی در حرکت بودند. این کمین به کشته شدن دو سرباز منجر شد. گروه انصار مدعی بود که این سربازان به هدف تخریب امپراتوری اسلام در مالی، به آنجا اعزام می‌شدند. این گروه به کشورهای آفریقایی در خصوص کمک به کشورهای غربی برای مبارزه با مسلمانان هشدار داده بود.^۴

عملیات‌های گروه انصار از لحاظ اهداف و مکان از گروه بوکوحرام متمایز است. هدف گروه انصار از مبارزات خود، «غرب» و «منافع آنان» است و کشتار غیرنظامیان محلی از سوی آنان بسیار کم بوده است. علاوه بر این، اکثر عملیات‌های گروه انصار در

→
2012, available at www.youtube.com/watch?v=_1m5-zV3zfU; "French Man Kidnap: Possibly an Inside Job – Kat sina CP," Vanguard, December 21, 2012; Suzan Edeh, "Bauchi Deadly Kid- napping: Gaping Bullet Holes in Expatriates' Live Camp," Vanguard, February 23, 2013.

۱. این کشیش، به پناهندگان فراری از خشونت بوکوحرام کمک می‌کرد.

۲. هفته بعد از ربایش، این خانواده در مقابل ۱۴/۳ میلیون دلار آزاد شدند و علاوه بر این اعضای بوکوحرام نیز از زندان کامرون آزاد گشتند.

تسنی موسی، «هفت خانواده ربوده شده در کامرون آزاد شدند»، رویترز، ۱۹ آوریل ۲۰۱۳.

3. <http://jihadology.net/2013/09/09/new-video-message-from-katibat-al-mulathamunepic-battles-of-the-fathers-the-battle-of-shaykh-abd-al-%E1%B8%A5amid-abu-zayd/>.

4. "Islamists Ansaru Claim Attack on Mali-bound Nigeria Troops," Reuters, January 20, 2013.

شمال غربی نیجریه به وقوع پیوست که بوکوحرام تحت رهبری شیکاو نفوذ کمی در آنجا داشت. از جمله دلایل رهاکردن شمال شرقی نیجریه توسط گروه انصار و عدم تمرکز آنان بر اهدافی همچون کلیساها، ادارات و مدارس دولتی، فرمانی بود که محمد نور، نماینده سابق محمد یوسف، از جبهه بین‌المللی جهاد دریافت کرد. نور مثل شیکاو، اگرچه معاون یوسف بود، ولی یک کامرونی بومی است و شاید بتوان گفت که او با جهت‌دهی خاص در اهداف جهاد، به دنبال کسب رهبری گروه بوکوحرام بود؛ اما شیکاو به‌خاطر بومی بودن، پس از مرگ محمد یوسف در جولای ۲۰۰۹م در این مبارزه قدرت پیروز شد و توانست رهبری پیروان یوسف را در آن منطقه به دست آورد.^۱

نور با همراهی گروه‌هایی همچون الشباب در شرق آفریقا و القاعده در مغرب اسلامی، در بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱م، جایگاه بین‌المللی خود را اثبات کرد.^۲ برای تأیید این مطلب، هماهنگی عملیات توسط القاعده مغرب با نور مورد توجه است. در این عملیات یک بمب‌گذاری انتحاری در آگوست ۲۰۱۱م در مقر سازمان ملل متحد در آبوجا صورت گرفت که به کشته شدن ۲۲ نفر منجر شد. تجربه بین‌المللی نور و سابقه درخشان وی سبب شد که آن دسته از طرفداران یوسف که با روش‌های شیکاو مخالف بودند، برای پیوستن به نور آماده شوند.

پیش از جولای ۲۰۰۹م، سخنرانی‌های نور بر تاریخ جهاد در شرق آفریقا و شمال نیجریه و میراث عثمان دن فودیو،^۳ مؤسس خلافت سوکوتو با مرکزیت شمال غرب نیجریه، متمرکز بود.

نور همچون یوسف، مقصر فقر شمال نیجریه را رهبران مسلمانی می‌دانست که جهاد دن فودیو را رد کردند و پذیرای قانون اساسی سکولار اروپاییان شدند. نور اظهار داشت: دن فودیو و دیگر عالمان اسلامی جهاد کردند و به ما این اطمینان را دادند که قانون قرآن در این کشور اجرا خواهد شد. خداوند با این وضعیت به کشور ما نگاه

1. Uduma Kalu, "How Nur, Shekau Run Boko Haram," *Vanguard*, September 3, 2011.

2. "Nigeria: 2 suspects arrested in UN HQ bombing," AP, August 31, 2011.

۳. عثمان دن فودیو (در عربی: عثمان بن فودی)، فیلسوف و اصلاح‌گر در اوایل قرن نوزدهم بود.
<https://www.britannica.com/biography/Usman-dan-Fodio>

نمی‌کند، مگر تا زمانی که رهبران مسلمانان از قانون اساسی اروپاییان دست بردارند. با اجرای قانون اساسی اروپاییان، خداوند صلح و آرامشی را که مسلمانان از آن لذت می‌بردند، با مصیبت و فقر جایگزین کرد.^۱

وی همچنین مدعی شد:

مبارزهٔ اجداد ما، علیه آموزش غربی بود و این در حالی است که برخی مردم، بچه‌های خود را به مدارس غربی می‌فرستند. شما فکر می‌کنید با این کار، متمدن و مملو از حکمت و هوش هستید؟ اجداد ما به‌خاطر مخالفت با دموکراسی کشته شدند. آنها با آموزش غربی مخالفت، و در چارچوب «جهاد» با آن مبارزه کردند.^۲

اما این نکته قابل توجه است که فرضیهٔ رهبری عملیات‌های آدم‌ربایی توسط نور در گروه انصار بعید به نظر می‌رسد.^۳ با این حال، در گروه انصار تفکر نور رایج بود و وی به‌عنوان جانشین شیکاو و تمایلش به کشتار غیرنظامیان مطرح است.

از فوریهٔ ۲۰۱۳ م به بعد، تقریباً عملیات‌های گروه انصار متوقف شد. فقط دو حمله از طرف گروه انصار در سال ۲۰۱۳ م ثبت شد که اولین حمله، حمله به تجهیزات معدن فرانسه در نیجریه توسط بلمختار در ماه ژوئن، و دیگری آدم‌ربایی یک کشیش فرانسوی در شمال کامرون در ماه دسامبر بود.

از آنجا که عملیات‌های گروه انصار متوقف شد، چند فرمانده گروه انصار همچون البرناوی، عضو عالی‌رتبهٔ معرفی شده در ۲۰۱۲ م در شورای شیکاو، مجدداً به گروه شیکاو برگشتند؛ بنابراین، گروه انصار راهبرد تبلیغات را در پیش گرفت و بیانیه‌هایی در همراهی القاعدهٔ مغرب صادر کرد که شامل نقد بوکو حرام در کشتار غیرنظامیان و نقد ارتش مصر برای حذف «مرسی» بود.^۴

1. MOHD Nur & Yusuf.

2. Ibid.

3. Adam Nossiter, "New Threat in Nigeria as Militants Split Off," *New York Times*, April 23, 2013.

4. "Ansar al-Muslimeen Leader Criticizes Boko Haram, Greets al-Qaeda Officials in Eid al-Adha Speech," *Site*, November 15, 2013; "Ansar al-Muslimeen Leader Criticizes Boko Haram, Greets al-Ansar al-Muslimeen Condemns Massacre in Baga, Calls for Revenge," *Site*, May 3, 2013; "Ansar al-Muslimeen Denies Targeting Civilians, Calls for Revolution," *Site*, May 13, 2013; AQIM Official Sees Foreign Role in Morsis' Ouster, July 7, 2013.

القاعدهٔ مغرب نیز خصومت خود با مسیحیان را با تهدید شبه‌نظامیان آنها در کمر بند میانی و «مند» واقع در دلتای نیجر حفظ کرده است.^۱ مسلّم است که نور، تنها عضو سابق بوکو حرام است که به القاعده در مغرب اسلامی در عملیات اولیهٔ گروه انصار پیوسته است. این احتمال وجود دارد که نور به عنوان بخشی از هستهٔ ایدئولوژی گروه انصار باقی بماند.

نتیجه

بوکو حرام نتیجهٔ مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در شمال نیجریه است. این گروه به رهبری محمد یوسف طرفدارانی به دست آورد؛ چرا که یوسف پاسخ مناسبی برای شکست جامعهٔ نیجریه داد و افزون بر آن، فساد فرهنگی را نتیجهٔ استعمار اروپا می‌دانست که موجب ضعف ایمان مسلمانان شده بود. وی گذشته از اینکه از نظر فکری پیرو سلف‌گراهای عربستان شد، در مرحلهٔ عملیاتی ایدئولوژی نیز جذب القاعده گردید. شیکاو نیز به نوبهٔ خود، تفکر یوسف را در قالب یک شورش جهادگرا، که تاکنون نیز ادامه دارد، عملیاتی کرد. مرگ یوسف همچون نیروی محرکی بود که به شیکاو اجازهٔ بسیج کردن طرفداران یوسف برای راه‌اندازی یک شورش را داد. این در حالی است که گروه انصار و رهبر آن، یعنی نور، مواعظ و نصایح محمد یوسف را سرلوحهٔ کار خود قرار دادند. مواعظ یوسف بر روی گروه انصار مؤثرتر از تأثیر دیگر بازیگران همچون القاعده در مغرب اسلامی است. نتیجتاً شیکاو و نور به دنبال گسترش نفوذ ایدئولوژی یوسف، با مبارزه علیه بانیان مستقیم فقر و مصیبت شمال نیجریه، یعنی دولت نیجریه و غربی‌ها و مسیحیان، در کمر بند میانی بودند. علاوه بر این، نور همچون بسیاری از طرفداران یوسف، شاهد خشونت‌های شیکاو بود؛ اما این خشونت از لحاظ سیاسی معکوس شده است. در واقع، اکنون بیشتر مردم شمال نیجریه ایدئولوژی بوکو حرام را رد می‌کنند. این در حالی است که ایدئولوژی یوسف دارای محبوبیت گسترده‌تری در شمال شرق نیجریه است.

کشور نیجریه تا چشیدن طعم ایدئولوژی حاکم بر جنبش بوکو حرام قبل از سال

1. "Ansaru Warns MEND against Attacks on Muslims," *Daily Trust*, April 17, 2013.

۲۰۰۹م، فاصله زیادی دارد. حتی اگر در میدان نبرد، دولت نیجریه بر جنبش بوکوحرام فائق آید، احتمالاً دیگر تجسمات ایدئولوژی یوسف، موجودیت دولت نیجریه را دوباره به چالش خواهند کشید. نیجریه می‌تواند به سرخوردگان خود در سراسر کشور، به‌ویژه در ایالت برنو، رسیدگی کند تا از ظهور چنین ایدئولوژی‌ای در آینده جلوگیری کند. از سوی دیگر، وظیفه رهبران مسلمان، ترویج مذهب‌های سنتی پذیرفته شده است تا از این طریق، نفوذ وهابیت و تفسیر جهاد القاعده مغرب را به چالش بکشانند. شکست نحوه نگرش بوکوحرام به اسلام در میدان سیاست، موجب عدم نفوذ اسلام‌گرایی در آفریقا و کل جهان خواهد شد.

1. "Boko Haram Paralyzes 10 Local Governments in Borno," **the Nation**, April 20, 2013.
2. John Bulloch and Harvey Morris, **the Gulf War: Its Origins, History and Consequences**, London: Heinemann Ltd. 1991.
3. Abimbola Adesoji, **the Boko Haram Uprising and Islamic Revivalism in Nigeria**, Africa Spectrum, 2010.
4. Karl Maier, "Beheading Stirs Nigerian Tension," **Independent**, August 16, 1995.
5. Nosa James-Igbinadolor, "Why We Must Fight And Win This War Against The Zealots," **Sahara Reporters**, October 8, 2013.
6. Bestman Wellington, "Nigeria and the Threat of al-Qaeda Terrorism," **Terrorism Monitor** Vol 6, No. 12, 2008.
7. Sani Umar, "The Popular Discourses of Salafi Radicalism and Salafi Counter-radicalism in Nigeria: A Case Study of Boko Haram, Journal of Religion in Africa," **Journal of Religion in Africa**, Vol. 42, 2012.
8. "Tahirin Musilminai," *History of Muslims*.
9. Andrew Walker, "Special Report: What is Boko Haram?," **United States Institute of Peace Special Report**, 2012.
10. B.G. Martin, Kanem, Bornu, and the Fazzan "Notes on the Political History of a Trade Route", **the Journal of African History**, Vol. 10, No. 1, 1969.
11. Andrea Brigaglia, "Jafar Mahmoud Adam, Mohammed Yusuf and Al-Muntada Islamic Trust: Reflections on the Genesis of the Boko Haram Phenomenon in Nigeria," **Annual Review of Islam in Africa**, Vol. 11, 2012.
12. "Islamists Ansaru Claim Attack on Mali-bound Nigeria Troops," **Reuters**, January 20, 2013.
13. Uduma Kalu, "How Nur, Shekau Run Boko Haram," **Vanguard**, September 3, 2011.
14. "Boko Haram: Splinter Group, Ansaru Emerges," **Vanguard**, February 1, 2012.
15. "Kano Police: 186 People Killed in Boko Haram Attack," **This Day Live**,

January 23, 2012.

16. Ike Abonyi, "Our Plans to Islamize the Country – Qaqa, Sokoto," **This Day**, March 8, 2012.
17. Emmanuel Goujon and Aminu Abubakar, "Nigeria's 'Taliban' Plot Comeback from Hide- outs," **AFP**, January 11, 2006.
18. Abdullahi Bego, "Nigeria: 'Taliban' of Nigeria: Who Are They?" **Weekly Trust**, January 3, 2004.
19. "Agence Nouakchott d'In- formation. Al-Qaida's Saharan Playbook," **Associated Press**, February 15, 2013.
20. Adam Nossiter, "New Threat in Nigeria as Militants Split Off," **New York Times**, April 23, 2013.
21. "Ansaru Warns MEND against Attacks on Muslims," **Daily Trust**, April 17, 2013.
22. "Ansar al-Muslimeen Leader Criticizes Boko Haram, Greets al-Qaeda Officials in Eid al-Adha Speech, **Site**, November 15, 2013.
23. **The News Magazine** (Lagos), September 25, 2000.
24. **The Daily Sun** (Lagos), July 24, 2009.
25. "Periodical Review July 2010," **ICT's Jihadi Websites Monitoring Group**, August 2010
26. Al-Qaida unit in Mali quits AQIM, AP, December 3, 2012.

سایت‌ها

1. <http://Islamicmovement.org>
2. <http://jihadology.net>
3. <http://www.cfr.org>
4. <http://www.jamestown.org>
5. <http://www.paymanonline.com>
6. <http://youtube.com>
7. <https://www.britannica.com>
8. <https://www.tasnimnews.com>
9. www.tawhed.ws/FAQ/pr

